

## تفسیری کوتاه بر نقش سفالینه‌های گیان

خدیجه (نرگس) زرینی

کارشناس باستان‌شناسی از دانشگاه ابوعلی سینا همدان

### مقدمه

شاید بتوان گفت که دست ساخته‌های انسان، از دوران کهن تاکنون، به طور کلی دارای رنگ‌مایه‌های هنری است. این رنگ‌مایه‌ها، علاوه بر بیان خواست هنرمند و جامعه، بعضاً دارای شواهدی از اعتقاد و باور نیز هست، می‌توان گفت آن چه از انسان باقی مانده ماهیت هنری دارد و آن چه دور از این محتوا بوده هرگز باقی نمانده است.

بیش‌ترین مباحث هنری پیرامون برداشت «انسان» (در مقام هنرمند) از «طبیعت» (موضوع هنر) است و از روزگار باستان تا عصر حاضر را در برمی‌گیرد. بنابراین، طبیعت در تمام ابعاد ظهوری خود، در کار هنری انسان پیش از تاریخ نقش اساسی داشته است. در حقیقت انسان آن چه را که خواسته دیده و آن چه را که مقبول وی واقع نشده در کار هنری خود وارد نکرده است.

گر چه بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی هنری انسان در طی زمان از بین رفته اما به میزانی که باقی مانده است، می‌تواند پرده‌ای از نمایش حقیقت زندگی باشد؛ پرده‌ای که ابعاد گوناگون زندگی را با استفاده از رنگ، خطوط و زوایا نشان می‌دهد و از ورای آن می‌توان به دنیای خواست‌ها و نیازهای ادوار مختلف وارد گردید و شرایط فرهنگی زمان را بیان نمود که این بیان، گاه به دلیل کمبود مدارک و اسناد، با ابهام توأم است.

اما کم‌بود مدارک باعث آن نخواهد بود که نتوان به دنیای زیبای اندیشه و باور هزاره‌های پیش از تاریخ وارد گردید. هر اثر فرهنگی جزئی از اصل ارتباطات گوناگون بین انسان و طبیعت یا تعامل انسان و طبیعت است. از ورای آثار فرهنگی باقی مانده می‌توان چگونگی اعتقاد، باور، طبقه‌بندی اجتماعی اقتصاد، نوع معیشت و ارتباط فرهنگی را دریافت نمود.

انسان جست‌وجوگر با شناخت از محیط خود و با بهره‌گیری از استعداد خویش طی دوره‌های مختلف به خلق آثار هنری پرداخته است. از دیواره‌های غارها (که اولین بوم تصویرگری متأثر از اندیشه است، با یاری از آن چه که طبیعت به صورت سایه روشن‌هایی از واقعیت در اختیار انسان قرار داده) که بگذریم، می‌توان گفت سطح سفالینه‌های به جا مانده از دوران پیش از تاریخ، تا زمان آغاز خط و نگارش، تنها جولانگاه اندیشه انسان‌ها بوده است.

استفاده از سفال باعث تغییرات بنیادی در جوامع انسانی پیش از تاریخ (هم از جهت فرهنگ و هم از نظر معیشتی) گردیده است. به لحاظ کاربرد وسیع سفال، هنرمندان ادوار پیش از تاریخ سعی نموده‌اند پوشش ذهنی خویش را بر بدن سفال، که راحت‌تر و سریع‌تر در سطح جامعه جاری می‌شد، منعکس نمایند.

نقوش باقی مانده بر سفالینه‌های پیش از تاریخ، اکثر نقوشی است که فهم آن‌ها برای همگان آسان بوده است. برای مثال از خطوط موج، آب را دریافت می‌کردند که همیشه خواست انسان و مایه‌ی حیات است. هم‌چنین، زیگزاگ‌ها می‌توانست برایشان نمایشی از کوه‌ها باشد که دامنه‌ی آن‌ها همواره پذیرای موجودات گوناگون بوده است و ...

در این نوشتار سعی شده است، ضمن اشاره به پیدایش سفال، به اهمیت و سیر تحول آن، اختصاصاً به همراه تفسیر نقوش سفالینه‌های گیان، که یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن بشری در فلات ایران است پرداخته شود.

### پیدایش سفال

پس از آن که انسان اولیه از روی درختان به پائین آمد و قدم به دشت و دامنه‌ی کوه‌ها نهاد مدتی را در شکار حیوانات گذراند و در غارها و شکاف کوه‌ها زندگی کرد. در این دوران بیش‌تر ابزار دست بشر سنگی بود که خود، چند دوران مختلف را، به لحاظ خشن، صیقلی یا تراشیده بودن، گذرانده است.

به طور کلی از نظر شیوه‌ی زندگی بشر از دیرباز تا این زمان، که آن را عصر ماشین می‌دانیم، دوران‌های گردآوری خوراک، شکارچی‌گری، کشاورزی و شهرنشینی را پشت سر گذاشته است. در هر کدام از این دوره‌ها انسان اولیه و انسان شکارچی و کشاورز هر یک با ابزارهایی از جنس‌های گوناگون سروکار داشته‌اند. استفاده از ابزار سنگی، که بشر از آغاز زندگی با آن آشنا شده بود، مدت‌ها پس از دوران کشاورزی نیز ادامه داشت. آشنائی با سفال مربوط به دوره‌ی آغاز کشاورزی است.

به این ترتیب، که بشر در اواخر دوران شکار، به تدریج به فکر استفاده از محصولات گیاهی افتاد و این سبب گردید که رفته‌رفته مقداری از دانه‌های مختلف را جمع‌آوری کند و در زمین اطراف غار یا محل سکونت به زمین افشاند و همین امر باعث این شد که انسان از دوره‌گردی دست بردارد و در کنار مزرعه‌ی خود ساکن شود.

انسان برای نگه‌داری از محصولات کشاورزی خود، به ظرف و مکان محفوظی

نیازمند بود. این ظرف در آغاز از سبدهائی که از شاخه‌ی درختان بافته بود تشکیل می‌یافت و برای این که دانه‌ها از سوراخ سبد نریزند، داخل آن با گل اندود می‌شد. بشر، برحسب تصادف یا به صورت آزمایش و نیاز — بیش‌تر برحسب تصادف — این سبدها را در کنار آتش قرار می‌دهد و می‌بیند که پس از سوختن چوب‌ها گل داخل آن سفت و سخت می‌شود، به طوری که می‌تواند آب را در خود نگه دارد و عجب‌تر آن که می‌توان آن را کنار آتش قرار داد، بدون این که از میان برود. به عقیده‌ی اکثریت دانشمندان و مردم‌شناسان سرگذشت به وجود آمدن سفال این چنین بوده است.

از آن پس، بشر ظروفی را که قبلاً از گل درست می‌کرد در برابر آفتاب خشک می‌نمود و سپس در داخل آتش قرار می‌داد تا پخته و محکم و بادوام شود و چون در مراحل اولیه، ظروف سفالی به همین صورت ناقص پخته می‌شد سیاه و تیره رنگ بود. روی جدار بعضی از این سفال‌ها هنوز نقش چوب‌های سبد نمایان است و بعدها هم، حتی نقاشان ظروف سفالین تحت تأثیر همین امر، نقوش اولیه را شبیه به نقش چوب‌های سبدهای بافته شده نقش کرده‌اند.

از این پس، سفال همراه با تکامل بشر و زندگی او رو به کمال گذاشت و ظریف‌تر و زیباتر شد. در سفال‌های اولیه جای انگشتان سازندگان آن و وسائلی که با آن‌ها روی ظروف سفالی را صاف و هموار می‌کردند، باقی مانده و نشان‌دهنده‌ی شیوه ساختن ظروف است. سال‌ها بعد، پس از آن که چرخ سفال‌گری به وجود آمد و کوره‌های پخت سفال تکامل پیدا کرد سفال‌ها ظریف‌تر و نازک‌تر و خوش‌رنگ‌تر شد.

مهم‌ترین پیشرفت در صنعت سفال‌سازی به وجود آمدن نقاشی روی سفال‌ها بوده، که ممکن است زیباپسندی سازندگان و مصرف‌کنندگان آن ظروف انگیزه‌ی اصلی این

نقش آفرینی باشد ولی در هر حال، اکنون این نقوش ترجمان پیام هنرمندان گم‌نامی است که نقش آفرین این سفال‌ها بوده‌اند. در میان ظروف سفالی نقش دار، ظروف متعلق به ایران از دیگر انواع خود زیباتر و گویاتر است و مانند آن‌ها در جاهای دیگر کم‌تر دیده شده است. در واقع، ایران زادگاه سفال‌های نقاشی شده است و پیشینه‌ی آن به حدود چهار هزار سال پیش از میلاد می‌رسد.

### اهمیت سفال و نقش آن در شناخت تمدن‌ها

سفال کهن، این مثنی خاک و گل که به دست مردی ناشناخته و هنرمند شکل گرفته و نقش‌هایی بر آن اضافه شده و به دست ما رسیده است، پیامی است گویا و آموزنده از سازندگان و نقش آفرینان آن‌ها، که باید با دقت و حوصله مورد مطالعه و بحث قرار گیرند.

باستان‌شناسان و محققان، از سفال به ویژه از نقوش موجود در روی آن‌ها، برای شناسایی تمدن‌ها و شیوه‌های گوناگون زندگی سازندگان آن‌ها بسیار بهره می‌گیرند و معتقدند نقوش روی سفال‌های پیش از تاریخ، در واقع خط و نوشته‌ی مردم آن روزگار بوده است. بعدها نیز از خلاصه شدن و شکل گرفتن همین نقوش، خطوط اولیه و تصویری به وجود آمده و به وسیله‌ی همین تصاویر، وقایع تاریخی و رویدادها و شیوه‌ی اندیشه و زندگی مردم روزگار گذشته مجسم شده و به دست بشر امروز، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

با توجه به این مسائل، از سالیان دراز سفال مورد توجه مخصوص باستان‌شناسان قرار گرفته و وسیله‌ای برای شناخت و مطالعه‌ی تمدن‌های گوناگون شده است. هم‌چنین با ویژگی‌هایی که سفال هر تمدن و هر سرزمین از نظر ساخت، جنس، رنگ

و نقوش دارند شناسائی تمدن‌ها آسان‌تر و عملی‌تر می‌شود و باستان‌شناسان با مقایسه‌ی کاوش‌های باستان‌شناسی و گمانه‌زنی‌ها، تمدن‌ها را می‌شناسند و طبقه‌بندی می‌کنند. در واقع، سفال بزرگ‌ترین کمک و خدمت را به شناسائی تمدن عصر خود می‌نماید. در یک حفاری بدون سفال، در صورتی که تمدن قبلاً ناشناخته باشد، شناسائی مشکل‌تر می‌نماید. ولی با به دست آمدن سفال، به صورت ظروف سالم یا حتی خرد شده و با مطالعه و مقایسه‌ی آن‌ها با سفال‌های شناخته شده‌ی پیشین، تمدن مورد نظر باز شناخته می‌شود.

گذشته از اهمیتی که سفال از دیدگاه باستان‌شناسان دارد باید همه مردم، به ویژه کسانی که به جهاتی با سفال‌های قدیمی مخصوصاً سفال‌های پیش از تاریخ سر و کار پیدا می‌کنند، به اهمیت آن‌ها پی ببرند و در رساندن آن‌ها به دست مطلعین کوتاهی نکنند. چه بسا که یک تکه سفال یا یک ظرف سفالین، که در پای تپه‌ای یا به هنگام کندوکاو زمین و در دیگر مواقع به دست می‌آید، سرنخی از یک تمدن نهفته در دل خاک باشد، که باید به وسیله‌ی کاوشگران بیرون کشیده و شناخته گردد.

در ادوار گذشته، به ویژه در دوران‌هایی که هنوز به کار بردن فلزات گسترش زیادی نیافته بود، ظروف سفالین به اشکال گوناگون ساخته می‌شد و از آن‌ها در همه‌ی موارد زندگی استفاده می‌کردند. از طرف دیگر، درون و بیرون ظروف سفالین برای تجلی پیام هنرمندان و حتی اندیشمندان و بینشوران امکان و وسیله‌ی مناسبی بود.

چنین گزینشی از سوی مردم بسیار خوب و به‌جا بود، زیرا هی چیز نمی‌توانست مانند سفال امانت‌دار و نگه‌دارنده‌ی پیام آنان باشد. فراوانی و شکل‌پذیری و هم‌چنین دوام زیاد سفال سبب گردیده است، که امروزه ما در جاده‌ای تقریباً هموار و آسان تا دوران‌های بسیار دور و گذشته و تاریخ زندگی انسان پیش برویم.

صورتگران سفال‌ها حتی بیش‌تر ظروف مورد مصرف کارهای عادی و ناچیز روزمره را نیز به نقشی دل‌پذیر و گویا آراسته‌اند. این خود می‌رساند که آن‌ها به سفال تنها از نظر یک وسیله‌ی برآورنده نیازهای عادی زندگی نمی‌نگریسته‌اند، بلکه برای ارضای عطش زیباپسندی خود ظروف سفالین را این چنین زیبا و دل‌انگیز می‌ساختند و عرضه می‌کردند (کیانی، ۱۳۷۷:۴).

### سیر تحول نقوش بر روی سفال‌ها

مردم فلات ایران پس از آشنائی با نقاشی روی سفال در آغاز از خطوط هندسی، که شاید همان نقش سبد الهام‌بخش آن‌ها بوده است، بهره می‌بردند و سپس تقلید از طبیعت جای خطوط هندسی را گرفت و نقاشان سفال در روی آن‌ها گل‌ها و گیاهان یا حیواناتی مانند لک‌لک، مار، شترمرغ، پلنگ، قوچ کوهی و غزال را با فواصل معین و مانند خود حیوان نقاشی می‌کردند.

دیری نپائید که این شیوه به سبب ذوق هنری و ابداع و ابتکار دگرگون شد و نقاشی به سبک طبیعی و برابر آن چه که در طبیعت وجود داشت نتوانست ذوق لطیف انسان‌های هنرمند زمان گذشته را تسکین بخشد و آن‌ها هم به مانند نقاشان روزگار ما به مسخ و دگرگونه‌سازی طبیعت و موجودات و اشیای در آن پرداختند.

در این دگرگونی به پاره‌ای از بدن حیوانات توجه ویژه‌ای مبذول شد و بعضی از این اعضا به طور اغراق‌آمیز و شگفت‌انگیزی نمایانده شد. از آن جمله، شاخ حیوانات به شکلی دور از باور بزرگ و دراز و در قالب اشکال هندسی درآمد. دم بعضی از حیوانات به صورت درخت و شاخ و برگ جلوه‌گر شد. پای شترمرغ و نوک و گردن لک‌لک و مرغ ماهی‌خوار از حالت طبیعی خارج شد و پر از ریزه‌نگاری‌های هنری گردید و روش

قرینه‌سازی که در گذشته معمول بود از میان رفت.

این نابه‌سامانی، که در عین حال دارای روش و قاعده‌ای مخصوص بود، نیز دیری نپائید و بار دیگر توجه به طبیعت و زندگی و جنب‌وجوش آن معطوف گردید و صحنه‌هایی نشان داده شد که نمایشگر جنبش و حرکت و زندگی بود. صحنه‌های شکار و کشاورزی و گاهی رقص و دیگر پدیده‌های متحرک و جاندار زندگی مورد توجه هنرمندان قرار گرفت.

باید توجه داشت که هنرمندان سفالگر و نقاشان آن‌ها هیچ‌گاه به یافته‌های خود در زمینه‌ی نقش و رنگ و شکل قانع و پای‌بند نبودند و در این زمینه، پیوسته برای نوجوئی و ابداع روش‌های تازه تلاش می‌کردند. در این نوجوئی الگوی کار آن‌ها باز هم طبیعت بود و هنرمند هر آن‌چه را که در گرداگرد خود می‌دید و می‌یافت اگر به نظرش جالب می‌نمود سرمشق کار خود قرار می‌داد.

این هنرمندان، در این نوجویی گویا به دنبال گمشده‌ای بودند که در همان هنگامه پیدا شد و آن خط تصویری بود. با وجود این که مصالح و روش کار برای ساختن و پرداختن سفال از نظر کلی در همه جا یکسان بوده است، باز هنرمندان نقاط مختلف با شیوه‌ای جداگانه کار کرده‌اند که اکنون ما از روی روش کار آن‌ها سفال‌های متعلق به هر نقطه را از همدیگر تمیز می‌دهیم (واندنبرگ، ۱۳۴۵: ۷۵).

### نقوش سفال‌های طبقات مختلف تپه‌ی گیان

طبقه‌ی پنجم، قدیمی‌ترین طبقه‌ی این تپه است و بین عمق ۱۹ متر تا ۹ متری قرار دارد. در این طبقه سفالی با زمینه‌ی زرد یا سبز کم‌رنگ با نقوش سیاه به دست آمد. طرح این نقوش عبارت‌اند از: خطوط هندسی دندانمانند، خطوط شکسته،



مثلث‌هایی که از یک طرف به هم متصل‌اند، تبر دوسر، صلیب مالت (صلیبی که چهار بازوی آن مساوی است)، لوزی، چهارخانه و دوایری که داخل آن‌ها تزیین شده است. به علاوه، روی این سفال موضوعاتی نباتی نیز نقش شده بود و از چهارده متر به پایین مارها و ردیف مرغان آبی و بز کوهی و پلنگ نیز دیده می‌شد.

**طبقه‌ی چهارم**، از ۹ متر تا ۷/۵ متر به زحمت از بالای طبقه پنجم تشخیص داده و مرکب از گورستان وسیعی است که ۱۱۷ قبر آن تحت مطالعه قرار گرفته و شامل سفال منقوش زرد رنگی است که خمیر آن خوب پخته شده و گاهی رنگ آن به رنگ آجری نزدیک می‌شود و نقوش آن سیاه رنگ است.

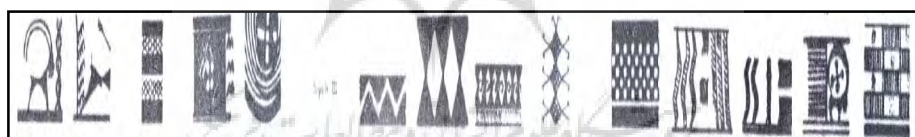
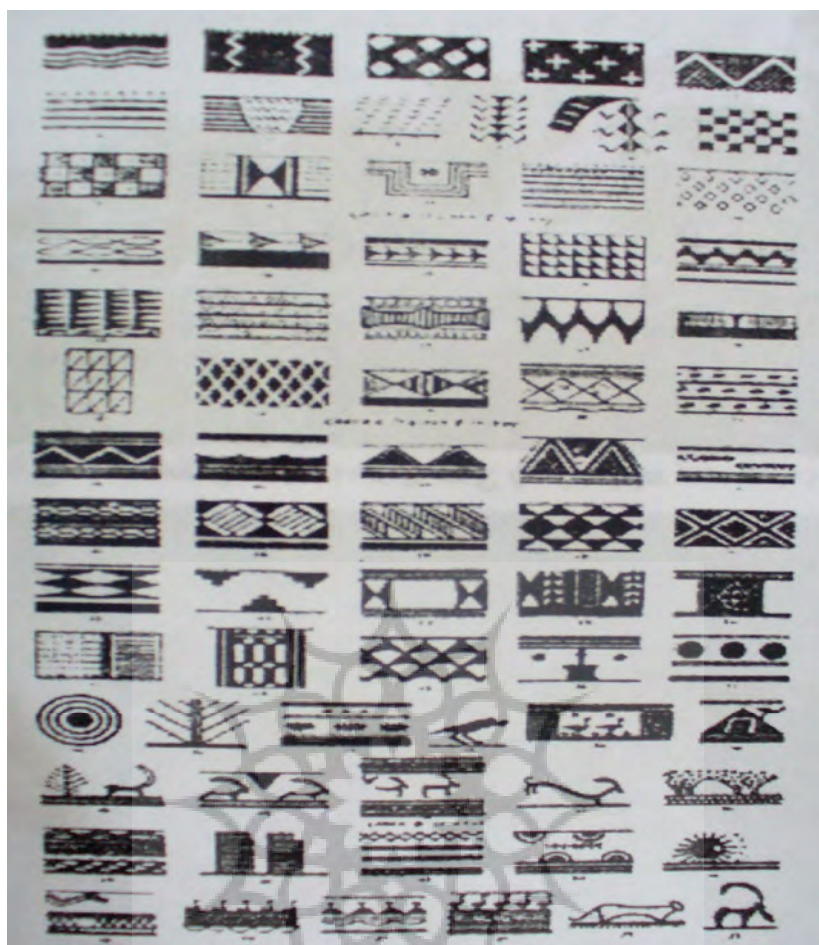
شکل‌ها و موضوع نقوش این طبقه چندان متنوع نیست. مهم‌ترین این ظروف از حیث شکل، خمره‌های دهانه‌گشاد است که روی گردن و شانه‌ی آن‌ها منقوش است. این نقوش عبارت‌اند از خطوط افقی دندان‌دار و خطوط موج‌دار که بیش‌تر روی گردن ظرف است و یک نوار پهن که روی شانه ظرف قرار گرفته. موضوع نقاشی‌ها معمولاً پرنده و شانه است. ردیف مرغان آبی، که پهلوی هم قرار گرفته‌اند و در نقش شباهت به شانه پیدا کرده‌اند، گاهی نیز یک عقاب با بال‌های باز یا مرغان آبی در حال شنا نشان داده شده‌اند.

**طبقه‌ی سوم**، از ۷/۵ تا ۶ متر است و قبرهای شماره‌ی ۸۳ تا ۱۰۱ تمدن قبلی مدتی ادامه می‌یابد و پس از اندک مدتی رو به زوال می‌گذارد. سفال قرمز آجری رنگ با نقش سیاه خصوصاً در ظروف سه‌پایه‌ای، تنگ‌های شکم‌دار و پایه‌دار، فنجان‌های دسته‌دار. دیزی‌ها و روغن داغ‌کن‌ها ادامه می‌یابد. نقوش آن‌ها منحصر به مثلث‌ها، هاشورها و خطوط افقی موج‌دار است.

طبقه‌ی دوم، از ۶ تا ۴ متر و قبرهای ۶۴ تا ۸۲ شامل آثار ابنیه و ساختمان‌هاست. سفال منقوش هنوز تحت تأثیر سبک سفال‌های منقوش دوران پیش از ایرانی است. ظروفی که خمیرشان زرد مایل به خاکستری است و نقوش سیاه دارند و دارای اشکال مختلف‌اند، مانند تنگ‌های شکم‌دار و پایه‌دار، سبد و فنجان دسته‌دار مزین به نواری‌های چهارخانه و گل پنج پر با خورشید و غیر آن‌ها.

بنابراین، در این نقوش که به صورت مجالس ترتیب داده شده سبک نقش حیوانات مجدداً مرسوم گردیده است ولی، علاوه بر این سفال، یک نوع ظروف گلی دیگر پیدا شده که از جهاتی با آن اختلاف دارد، مانند ظروف و آب‌خوری‌هایی که از حیث جنس خمیر با آن‌ها شبیه است و نقوش آن‌ها فقط خطوط افقی است که به اشکال مختلف نقش شده است. نوع اخیر به سفال محدوده‌ی بین‌النهرین شباهت پیدا می‌کند.

طبقه‌ی اول، از عمق ۴ متر به بالا و قبرها ۱ تا ۶۳ است. سه قشر از آثار دیده می‌شود. در قشر اول، که از همه قدیمی‌تر بود آب‌خوری‌های بلندی قرار داشت که منقوش به خطوط هندسی یا تزیینات دیگر بود، مانند مرغابی یا گیاهانی که به صورت مصنوعی درآمده است. این سفال با سفال "نوزو" در بین‌النهرین شباهت زیاد دارد. در قشر وسطی سفال بدون نقشی پیدا شده است، که هیچ شباهتی به سفال قبلی ندارد. این سفال، سیاه درخشان یا خاکستری سیاه رنگ یا قرمز رنگ است و با سفال گورستان در تپه‌ی سیلک کاشان قابل مقایسه است (سیدان، ۱۳۷۹ و کیانی، ۱۳۸۳: ۷۷-۶۴).

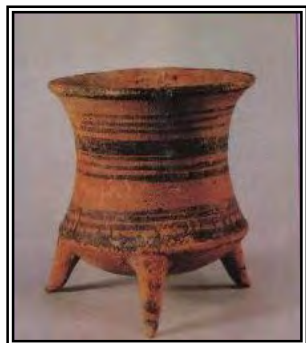


### مفاهیم نقوش

#### خط ساده

خط افقی یا عمودی، که گاه ساده و زمانی موج‌دار است، روی اغلب ظرف سفالی دوران قبل از تاریخ دیده می‌شود. سازنده‌ی این خطوط، علاوه بر زیبایی،

هدف دیگری داشته و می‌خواسته است به این طریق از جویباری، که آب آن مورد استفاده قرار می‌گرفته، سخن بگوید و آن را به وسیله‌ی خط موج‌دار مجسم سازد.



ظرف سفالین سه پایه از خمیر قرمز رنگ دارای خطوط افقی

به رنگ سیاه

تپه گیان نهند

### خطوط متقاطع

گروه دیگر این ظروف با خطوط متقاطع تزیین یافته‌اند. به این ترتیب که چند خط به طور متقاطع روی یک خط رسم گردیده است. نقش به دست آمده شباهت زیادی به خیمه‌هایی دارد که مردم صحرائشین در آن زندگی می‌کرده‌اند. در ترسیم خطوط متقاطع، سازنده احیاناً از محل مسکونی خود الهام گرفته است. سطوحی که خط مایل داشته‌اند، احتمالاً نشان زمین مزروعی بوده است.



نقوش روی سفال‌های تپه گیان

### اشکال هندسی

هنرمندان به سبب تجربه‌ای که به مرور ایام به دست آورده بودند با درهم آمیختن خطوط به ایجاد اشکال هندسی بسیار زیبایی چون مربع، لوزی، مثلث و دایره موفق

شده‌اند. داخل این اشکال نیز با طرح‌های کوچک‌تری پوشیده شده‌اند که هر یک دارای معانی خاص و بیان‌کننده‌ی موضوعی هستند. مثلاً خطوط متوازی منکسر که در دایره یا مستطیلی محاط‌اند مقداری آب را نشان می‌دهند یا مثلی که داخل آن خطوط شطرنجی طرح گردیده، معرف کوه است.



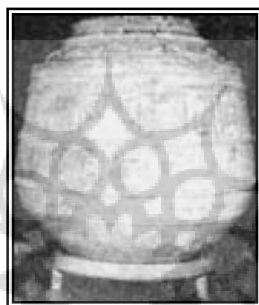
تپه گیان نهاوند - هزاره سوم ق - م

## نقش حیوان

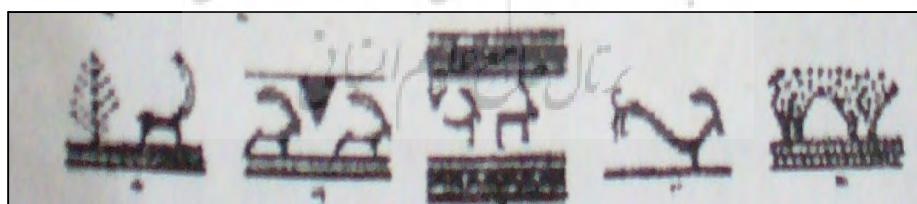
روی عده‌ای از این ظروف نقش حیوان چون بز، قوچ و غیر آن‌ها دیده شده است. غالب این حیوانات بی آن که در تغذیه‌ی خود نیازمند بشر باشند خوراک و پوشاک بشر را تهیه می‌کرده‌اند یا منبع قدرتی بودند که در کار یا حمل و نقل و سواری مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند. از انواع آن یکی نقش بز است که ابتدا به طور طبیعی طرح گردیده ولی تدریجاً از تقلید طبیعت احتراز شده است. هنرمند برای ایجاد هر طرح قاعده‌ی معینی را در نظر می‌گرفته و به دل‌خواه و میل باطنی خود آن را نقش می‌نموده است. غالباً دم حیوان دراز کشیده شده و شاخ‌ها نیز، بدون تناسب پهن و بزرگ گردیده است. اندکی بعد، فقط به نمایش شاخ بز پرداخته شده است، به این صورت که دایره‌ای بزرگ طرح می‌نموده‌اند. گاه طرح بز به طور مستقل روی ظرف به چشم می‌خورد و زمانی تعداد زیادی از آن‌ها را

می‌بینیم که به صورت گروهی نقش شده‌اند. شاید این نشانه‌ای باشد برای نشان دادن گله و رمه‌ای که در اختیار داشته‌اند.

طرح مار نیز روی ظروف سفالی قبل از تاریخ دیده شده است. مار تا هزاره‌ی اول قبل از میلاد، مظهر آب‌های زیرزمینی بود و به همین دلیل مورد ستایش قرار می‌گرفت. نقش مار به طور برجسته نیز روی بعضی از ظروف سفالی آمده از آن جمله خمره‌ای است که در کاوش‌های علمی در تپه‌ی گیان نهانند به دست آمده و متعلق به ۲۵۰۰ قبل از میلاد است. روی شانه‌ی خمره نقش یک مار دو سر به طور برجسته مشاهده می‌گردد.



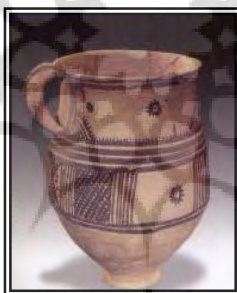
تپه‌ی گیان- نهانند- ۲۵۰۰ ق- م



نمایی از نقوش سفال‌های تپه گیان

## نقش خورشید و ماه

خورشید در هزاره‌ی چهارم قبل از میلاد، در فلات ایران از بزرگ‌ترین خدایان شمرده می‌شد. در هزاره‌ی سوم و دوم قبل از میلاد، مردگان را به سوی مشرق، یعنی طرفی که خورشید طلوع می‌کند خوابانده‌اند. لذا، می‌توان به اهمیت پرستش آفتاب پی برد. به علاوه، استنباط مردمانی که در این دوران و در نواحی مختلف ایران زندگی می‌کردند از طلوع و غروب این بود که خورشید از زمین بیرون می‌آمده و پس از طی سیری معین در آسمان به نقطه‌ی دیگری از زمین فرو می‌رفته و تمام شب را در دالان‌های زیرزمینی با خدایان به سر می‌برده است. برای آن‌ها شکی وجود نداشت که زیر زمین خدایان دیگری زندگی می‌کنند. ضمناً چون خورشید به زندگی آن‌ها رنگ و رونق می‌بخشد هست و نیست خود را از وجود خورشید می‌دانستند و به پرستش آن می‌پرداختند. نقش ماه به صورت هلال زینت‌بخش تعدادی از ظروف دوران قبل از تاریخ است.



جام سفالین نخودی رنگ دارای  
یک دسته، نقوش قهوه‌ای رنگ،  
نیمه‌ی اول هزاره‌ی دوم پیش از میلاد،  
تپه‌ی گیان نهاوند

## نقش صلیب

اگر بگوییم که صلیب مخصوص مسیحی‌هاست درست نیست. تفسیرهای متفاوتی برای این نقش وجود دارد که طرح آن‌ها خود کتابی خواهد شد. چهار عنصر، چهار جهت اصلی، چهار رودی که به بهشت می‌روند یا از آن جاری می‌شوند، نماد خورشید، چرخه‌ی هستی و زندگی طولانی، از تعبیرهای این شکل پر رمز و رازند.



هم‌چنین، می‌توان گفت که به مرور ایام، نقش خورشید به تدریج ساده‌تر شده و به صورت صلیب درآمد است. چنان که نقش خورشید به صورت صلیب و صلیب شکسته روی ظروف بسیار دیده می‌شود.



نمای درشت‌تر از برخی نقوش خورشید بصورت صلیب و صلیب شکسته

### نقش پرنده

نقش انواع پرنده و مرغ چون غاز، لک‌لک، مرغابی و امثال آن‌ها روی غالب ظروف سفالی‌ای، که در نواحی مختلف ایران به دست آمده است، دیده می‌شود. این نقوش گاه تقلید کامل از طبیعت‌اند و زمانی به طور بسیار ساده (استیلیزه) نقش گردیده‌اند. در نقوش استیلیزه نقش‌ها بسیار ساده شده است.

به کلامی دیگر، سفال‌ساز به جای این که تعداد زیادی پرنده را در فضای کوچکی در اختیار داشته باشد و طرح نماید، فقط به نقش دو سر پرنده و تعداد زیاد خطوط به جای پاها پرداخته است و به این ترتیب، خواسته‌ی خود را بیان نموده است.

گاه پرنده‌گان را روی مثلی می‌بینیم که داخل آن شطرنجی شده است. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، نقش مثلث با خطوط شطرنجی نشانه‌ی کوه است. هنرمند به این ترتیب، پرنده‌گان را روی کوه نشان داده است. جالب این که در ایجاد این نقش اصول پرسپکتیو (علم مناظر و مرایا) کاملاً رعایت شده است. پرنده‌گانی که نزدیک‌تر به قله کوه هستند بزرگ‌تر و هر چه دورتر می‌شوند کوچک‌تر نمایش داده شده‌اند.



از این نمونه لیوانی است سفالی است که در کاوش‌های تپه‌ی گیان نهانند به دست آمده و مربوط به ۳۵۰۰ قبل از میلاد است. بر دیواره‌ی خارجی لیوان نقش مثلث، با پرندگانی که روی آن قرار دارند، مشاهده می‌شود.

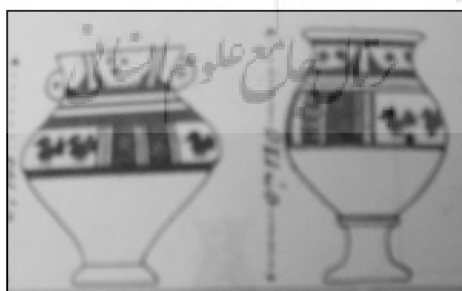
هنرمند برای تجسم دریا بر روی این لیوان نقش چند ماهی را در حد فاصل کوه‌ها طرح کرده و به این وسیله کوه و دریا را کنار هم مجسم ساخته است. نقش پرندگان دریا غالباً روی خطوط موج‌دار افقی و عمودی نشانه‌ی آب رسم گردیده است. نمونه‌های ارائه شده غالباً پرندگانی را می‌نمایند که به طور جمعی روی ظروف می‌آیند، ولی روی بعضی دیگر از اشیای سفالی دوران قبل از تاریخ، طرح پرنده به طور مستقل و تنها نیز مشاهده می‌شود و در حد فاصل آن‌ها نقوش هندسی یا گیاه و درخت نیز طرح شده است. روی لیوان سفالی به دست آمده از تپه‌ی گیان نهانند (مربوط به هزاره‌ی اول قبل میلاد) نقش پرنده‌ای را، که در حد فاصل نقوش شطرنجی طرح گردیده است، می‌توان ملاحظه نمود (پورعصمتی، فصل‌نامه‌ی اثر، شماره‌ی ۳۵: ۳۵).



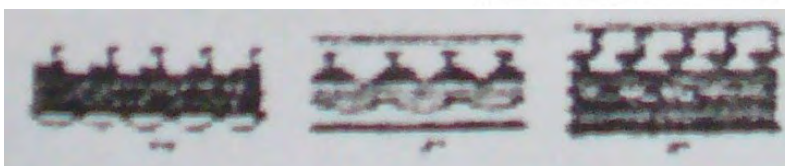
تپه‌ی گیان، نهانند،  
هزاره‌ی سوم ق-م



تپه‌ی گیان، نهانند،  
هزاره‌ی سوم ق-م



مرغی از تپه‌ی گیان نهند.  
این نقش از روی یکی از ظروف هزاره‌ی پنجم پیش از میلاد  
مکشوف در تپه‌ی گیان کپی شده است.



### پیکره‌های نقاشی شده گیان

در تپه‌ی گیان، علاوه بر ظروف یاد شده، تعدادی پیکره‌های کوچک گلین نیز به دست آمده که گویای فرهنگی پیشرفته است. به عقیده‌ی کاشفان این پیکره‌ها، سر علامت دانش و اخلاق شناخته شده است به همین جهت پررنگ‌تر از بقیه‌ی اندام است. بعضی از پیکره‌ها دارای ریش هستند و به غیر از این علامات در کاوش‌های تپه‌ی گیان هیچ نشانه جدیدی ملاحظه نشده است.

در کاوش‌ها پیکره‌های کوچک مؤنث عریان نیز به دست آمده است، این پیکره‌ها که گاهی از گلابه قرمز پوشیده شده در طبقه‌ی ۳ نیز وجود داشته است. در این قطعات نیز سر را با رنگ تیره نشان داده‌اند.

نمونه‌های دیگری که بسیار به دست آمده حیوانات کوچکی است که اغلب به صورت تکه سفال یافت شده و نقوش روی آن‌ها به صورت خطوط طولی یا عرضی، و همیشه با رنگ سیاه یا قرمز تزیین شده‌اند. در کاوش‌های تپه‌ی گیان تعداد زیادی سر حیوانات به دست آمده است که یا برای آراستن بدنه‌ی ظرف یا برای ریختن مایعات از دهانه‌ی یک ظرف (قیف) مورد استفاده قرار گرفته است. در موارد بسیاری این سرهای سوراخ‌دار متعلق به ظروفی است که به شکل حیوانات مختلف (ریتون) ساخته شده‌اند.

این ظروف در طبقه‌ی ۳ فراوان به دست آمده است (رفیعی، ۱۳۷۷: ۳۲).



تعدادی از نقوش سفال‌های تپه گیان

ارتباط فرهنگی طبقات گیان با سایر مناطق

طبقه‌ی ۱	سفال منقوش این طبقه نفوذ بین‌النهرین شمالی را نشان می‌دهد.
طبقه‌ی ۲	دارای قبوری شبیه به قبور شوش، کشف دکمه‌های زینتی قبور شبیه به نوع مشابه در لرستان و سفال‌هایی شبیه به سفال‌های فرهنگ دین‌خواه در حوضه‌ی دریاچه ارومیه.
طبقه‌ی ۳	دارای سفال‌هایی با فرم‌های سه پایه قابل مقایسه با سفال‌های آناتولی و یا شبه جزیره بالکان.
طبقه‌ی ۴	سفال‌هایی با نقوش و طرح‌هایی شبیه سفال‌های بین دو دریاچه وان و ارومیه، برابر با آغاز سلسله‌ها در بین‌النهرین.
طبقه‌ی ۵	دارای صفات مشترک با تپه‌ی موسیان، از جمله ظروفی با تصاویر پلنگ و نقوش پرندگان، هم‌دوره‌ی تمدن حلف و هم عصر طبقات ۴ و ۵ سیلک کاشان.

قدمت تقریبی و نوع زندگانی در تپه‌های باستانی هم عصر با گیان (کیانی، ۱۳۷۷: ۷)

دوران آغاز مفرغ	۳۰۰۰ سال قبل از میلاد	گسترش شهرها، تکامل صنایع فلزی، تجارت به نقاط دور دست برای کسب مواد خام، ظهور خطوط اولیه	گیان، گودین، یحیی، بمپور، شهر سوخته، شوش
دوران آغاز مفرغ	۲۰۰۰ سال قبل از میلاد	نوع سفال منطقه‌ای، اوائل گسترش سفال خاکستری از شمال شرق ایران به طرف غرب و شمال غرب، مدارک خط میخی	گیان، گودین، باباجان، جمشیدی، شوش، هفت‌تپه، حسنلو، مارلیک، دین‌خواه، تورنگ، یاریم تپه
دوران آهن ۱ دوران آهن ۲ دوران آهن ۳	۱۳۵۰ ق.م ۱۱۰۰ ق.م ۸۰۰ ق.م	استقرار سفال خاکستری در مغرب، تکامل نوع سفال‌های منطقه‌ای، ظهور مجدد سفال منقوش و نخودی، ظهور آهن، مفرغ لرستان	گیان، گودین، نوشیجان، باباجان، مارلیک، حسنلو

## نتیجه‌گیری

نگاره‌ها و نقوش سفالین معرف دانش، معرفت و باورهای مذهبی سفالگران است و پیام آن‌ها را منعکس می‌کند. طرح سفالینه‌های منقوش در هزاره‌های گذشته، به ویژه هزاره پنج و چهارم پیش از میلاد، از وجود انسان و نحوه‌ی زندگی او حکایت می‌کند. به این ترتیب که نقوش و طرح‌های سفالینه، از آئین‌ها، صور اساطیری، معتقدات روزمره و بالأخره تصورات و اندیشه‌ی انسان (از مرگ و زندگی، ماجرای سرنوشت و سرگذشت) سرچشمه می‌گرفتند. نقوش سفالین زمانی به شکل غیر واقعی و زمانی طبیعی و تا حدودی تجریدی به تصویر درمی‌آمدند و هر کدام از نقوش، احتمالاً معنای ویژه‌ای داشته‌اند. چنانچه مفاهیم یاد شده صحیح باشند می‌توان این تصاویر را از اولین خطوط تصویری به حساب آورد که برای بشر آن روزگاران گویا و برای محققان عصر حاضر منبع مطالعه و بررسی است.

## منابع

۱. رفیعی، لیلا، *سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر*، تهران، انتشارات یساولی، چ ۱، ۱۳۷۷.
۲. سیدان، شمس‌الدین، *نهایند در هزاره‌های تاریخ*، تهران، انتشارات آشتی، چ ۱، ۱۳۷۹.
۳. کاظم پور عصمتی، پروین، *نقش‌مایه‌های انسانی بر سفال‌های پیش از تاریخ فلات مرکزی ایران*، فصل‌نامه علمی، فنی، هنری اثر، شماره‌ی ۳۵، تابستان ۱۳۸۲.
۴. کیانی، محمد یوسف، *پیشینه سفال و سفال‌گری در ایران*، تهران، انتشارات نسیم دانش، ۱۳۷۷.
۵. کیانی، ملک اقبال، *نگاهی به گیان نهایند*، نهایند: انتشارات شهر ما، چ ۱، ۱۳۸۳.
۶. واندنبرگ، لوئی، *باستان‌شناسی ایران باستان*، ترجمه‌ی عیسی بهنام، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.